

پژوهشگاه علمی و فرهنگی  
تالار مطالعات ایرانی  
سه کتاب درباره  
ویرجینیا وولف

- مباحث انتقادی ویرجینیا وولف / لیلاکافی
- روایتی دیگر از زندگی وولف / نوشین مهاجرین
- ارثیه ناقدانه / آزاده فانی

در مورد این افراد با وجدانی آسوده می‌توان گفت که دقیقاً شصت و هشت یا هفتاد و دو سالی که بر سنگ قبرشان حک می‌شود به آنان اختصاص یافته و آن را به همان اندازه زندگی می‌کنند. در مورد دیگران، بعضی را می‌دانیم که، با اینکه در میان ما راه می‌روند، مرده‌اند؛ دیگرانی که می‌گویند ۳۶ ساله‌اند اما صدها سال عمر کرده‌اند.

قهرمان خانم وولف صدها ساله است. در ابتدای کتاب، اورلاندو پسری است ۱۶ ساله، افسرده، بی‌حال، عاشق تنهایی و وقف شعر و شاعری؛ زمان قصه دوره الیزابت (اول) است؛ کتاب ۱۱ اکتبر ۱۹۲۸ پایان می‌یابد و اورلاندو مدیره جوان مدرن ۳۶ ساله‌ای است که دیوانی موفق از اشعارش منتشر کرده و با پشت سر گذاشتن دشواری‌های بسیار به فلسفه‌ای از زندگی رسیده است. با این وجود، برای ابراز مفاهیم بسیار مدرن چهار بُعدی‌اش، خانم وولف به سراغ یکی از قدیمی‌ترین شکل‌های ادبی رفته: تمثیل. و با این کار کتاب را چه بسا پیچیده‌تر از لزوم به پایان برده است.

در بار اول خواندن شاید مشکل بتوان ساختار کتاب را درک کرد. در دوره الیزابت اورلاندو نجیب‌زاده‌ای است جوان، مورد علاقه ملکه بس، و در حال کشف جهانی که در آن زندگی می‌کند؛ ابتدا با یأس و نومیدی و عشق به مرگ؛ سپس عاشق و شکفته، عربده‌کشان در میخانه‌ها؛ بعد از آن جوانی است در دربار چابک و پر نشاط، سه بار نامزد کرده و عاقبت شاهزاده زیبای روس قول و قرارش را با او به هم زده است.

سرخورده، به املاکش بازگشته و نیرویش را تمام و کمال صرف نوشتن می‌نماید.

تا اینجا پس زمینه الیزابتی به آرامی کمرنگ شده و قرن هجدهم است. تا پیش از ۲۵ سالگی چهل و هفت نمایشنامه، تاریخچه، عاشقانه و شعر نوشته است. در هشتاد سالگی از ادبیات مایوس گشته: «نه تنها تمامی تجربه‌های زندگی را پشت سر گذاشته، بلکه به بیهودگی‌شان نیز پی برده است. عشق و بلندپروازی، زن و شعر همه به یک اندازه بی‌ارزش‌اند.» بنابراین خود را به لذت بردن از طبیعت مشغول می‌کند و به تفکرات عمیق درباره واقعیات عالی زندگی می‌پردازد، و بالأخره تصمیم می‌گیرد به ادای سنت‌های اصیل اعضای خانواده‌اش که نسل بعد از نسل مفصل‌تر شده و قصری که به ارث برده است را بهتر و راحت‌تر کرده ادامه دهد. سرانجام آرامش فلسفی‌اش را آرشدوشی سمج از هم می‌پاشد، زن با چنان سماجی‌گری او را دنبال می‌کند که برای فرار از دست او به خدمت به شاه و کشور کشیده می‌شود و قبول پست سفارت در ترکیه، که با افتخار به انجام می‌رساند.

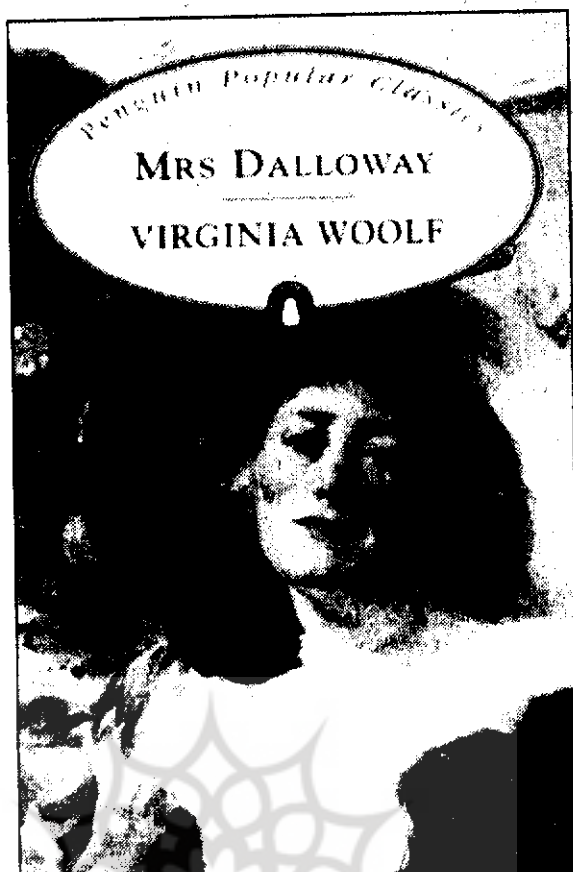
در اینجا ناگهان اورلاندو تغییر جنسیت می‌دهد، و تا آخر رمان زن باقی می‌ماند. در ترکیه انقلابی روی می‌دهد؛ او فرار می‌کند و برای مدتی سرگردان در اروپای مرکزی با کم‌بالی‌ها

# VIRGINIA WOOLF

Orlando



مرکز اسکاوت علوم انسانی و مطالعات  
آل بیت - قم انسانی



می‌گردد؛ عاقبت عشق انگلیسی‌اش به طبیعت بروز می‌کند و او را به سوی تپه و ماهورهایی که بسیار دوست دارد باز می‌گرداند. دیرتر به لندن می‌رود به دنبال «عشق و زندگی»، تفریحات گوناگون شهر را می‌آزماید، ولی همه را پوچ می‌بیند. جامعه مد روز برای همان لحظه هیجان‌انگیز است، اما «روز بعد هیچ چیز باقی نمی‌ماند؛ با پوپ، آدیسون و سویفت محشور می‌شود، ولی در می‌یابد که خودشان در مقایسه با کتاب‌هایشان آدم‌های کسالت‌آوری هستند. بعد قرن هجدهم از صحنه محو می‌شود و اورلاندو خود را در دوره ویکتوریا می‌بیند.

بقیه رمان را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد؛ بخش اول به نحو نسبتاً غریبی با تلاش‌های اورلاندو در مسیر سازگار کردنش با عرف و عادات قرن نوزدهم سر و کار دارد.

بخش دوم و اصولاً جالب‌ترین بخش کتاب، اورلاندو را در زمان حال توصیف می‌کند، و با ظرافت خارق‌العاده‌ای تأثیر ردپای گذشته‌اش را بر حال او دنبال می‌کند. در این سبب و اندی صفحه است که کتاب به نحو شگفت‌آوری زنده می‌شود. تا به اینجا به نظر روایتی دلپذیر می‌رسد که به خاطر چند بخش بسیار زیبا و برخی توصیف‌های زنده‌اش برجسته است. ولی با نوعی طعنه‌گویی‌های نصفه‌نیمه خود نویسنده، اعتیادی به عبارتهای غریب معترضه که لزوماً مؤثر هم نیست، خراب شده است.

در صفحات واپسین رمان، خانم وولف داخل مجموعه‌ای فشرده که تا بحال سلسله‌ای از

ماجرای بی‌ربط به نظر رسیده بود ادغام می‌شود. ظاهراً او می‌تواند به درون کل روبنای زندگی فرو رود و چیدمانی نو، یا لاقلاً تاکنون نادیده‌ای، از جرقه‌های گذرای حافظه که به کار ساختن آگاهی می‌آید بگستراند. در طول دوران افراد متوجه شده‌اند که زمان، در بعضی شرایط، به نظر طولانی‌تر از شرایط دیگر می‌آید. خانم وولف مدرکی مستدل ارائه می‌کند که این صرفاً یک احساس نیست، بلکه حقیقت است، و نه به کمک عناصر مکانیکی بلکه با عناصری انسانی نشان می‌دهد زمان از چه تشکیل شده است. او روش «سیلان ذهن» را یک گام فراتر برده است؛ او از به دنبال هم نوشتن افکار و احساساتی که در ذهن می‌گذرد راضی نمی‌شود؛ پشت آن افکار و احساسات را، آنجایی که ناگهان خطوط می‌کنند و ارزش نسبی‌شان را می‌نمایاند.

در تلاش برای توصیف این کیفیات ظریف و خیالی - یا شاید باید گفت کمیتهای ظریف و خیالی؟ - خانم وولف با یکی از سخت‌ترین مشکلات تکنیکی و هنری که رمان‌نویسان امروز با آن روبرو هستند مقابله کرده است. همین که او مسئله را چنین موجز مطرح کرده بی‌اندازه برانگیزنده است، چه احساس کنیم او به راه حلی رسیده است یا احساس نکنیم. سؤال این است: آیا تمایل رمان‌نویسان امروز به درون‌نگری بیشتر و بیشتر می‌تواند به طور مفیدی بیشتر رود؟ اگر تمایل آنان به ادامه این راه است، بنابراین، خانم وولف مسیر پیشرفت را روشن کرده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

# VIRGINIA WOOLF

## Mrs Dalloway

